



## دانش، توانمندی و عملکرد کارآفرینان دانش آموخته آموزش های

### علمی کاربردی کشاورزی

مجتبی رجب بیگی<sup>۱</sup> \* ، شهرام مقدس فریمانی<sup>۲</sup>

۱ دانشیار موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی

۲ استادیار موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی

#### چکیده

دوره های آموزش عالی علمی کاربردی با هدف مهارت آموزی توأم با فراگیری علوم مربوط به آن مهارت و نیز تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیازی که دانش و مهارت لازم برای انجام کارهای محوله و حل مسائل کاربردی و روحیه کارآفرینی را در شرایط واقعی داشته باشند طراحی و اجرا می گردد. تحقیق حاضر با هدف بررسی دانش، توانمندی و عملکرد دانش آموختگان کارآفرین آموزش های علمی کاربردی کشاورزی انجام پذیرفت. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی و با رویکرد پیمایشی بود. جامعه آماری تحقیق دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهاد کشاورزی بودند. نمونه گیری به صورت در دسترس بود و در مجموع از میان ۳۲ مرکز آموزشی موجود از هفت مرکز آموزشی مشخصات تعداد ۷۵ دانش آموخته در دسترس گردآوری گردید. ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی پرسشنامه توسط پانل متخصصان و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ احراز شد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای بخشهای مختلف ۰/۸۹ تا ۰/۹۱ بدست آمد. یافته های این تحقیق نشان داد که پاسخگویان از نظر ویژگی های فردی عمدتاً در دامنه سنی جوان تا میانسال قرار داشته و اکثر آنها را مردان تشکیل می دادند. اکثر دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهاد کشاورزی (۳۴/۲ درصد) در رشته های مرتبط با دام های سبک و سنگین و مابقی در رشته های مرتبط با آبزیان (۸/۶ درصد)، پرورش زنبور عسل (۸/۶ درصد) و تولید و فرآوری پسته و گیاهپزشکی (۱/۴ درصد) تحصیل نموده بودند. نوع فعالیت پاسخگویان نیز نشانگر آن بود که حدود نیمی از دانش آموختگان (۴۶/۷ درصد) در فعالیت های دامداری، مرغداری و زنبورداری که فعالیتی تولیدی در حیطه علوم دامی محسوب می شود فعالیت داشته و فعالیت ۲۳/۵ درصد از آنان در امور خدماتی و تاسیساتی بوده است. از نظر دانش، توانمندی و عملکرد دانش آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف مرتبط با کسب و کار، کار خود نیز پاسخگویان میزان دانش خود را در زمینه هایی همچون مدیریت زمان، ایجاد و اداره واحد کسب و کار، مدیریت خرید مواد اولیه و توسعه واحد کسب و کار بالاتر از دیگر موارد دانستند و میزان توانمندی و مهارت خود را در زمینه هایی همچون مدیریت زمان، توسعه واحد کسب و کار، ایجاد و اداره واحد کسب و کار و مدیریت خرید مواد اولیه بالاتر از سایر موارد ارزیابی نمودند. آنان عملکرد خود را در خصوص موارد ایجاد و اداره واحد کسب و کار، انتخاب و آماده سازی مکان، امکانات و تجهیزات، تشخیص فرصت های کسب و کار و رهبری، سازماندهی و مدیریت



منابع انسانی بالاتر از سایر موارد ذکر نمودند. بررسی و توجه به نقاط قوت و ضعف دانشی و مهارتی دانش‌آموختگان کارآفرین در جهت تقویت و پرورش روحیه کارآفرینانه دانشجویان علمی کاربردی از جمله پیشنهادات این تحقیق بود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش علمی کاربردی، کسب و کار، کارآفرینی، دانش، عملکرد دانش‌آموخته

## مقدمه

آموزش عامل توسعه و توسعه عامل افزایش اشتغال است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی عهده‌دار رسالت‌هایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت می‌باشند. مهم‌ترین رسالت آموزش عالی مسئله کارآفرینی است. کارآفرینی به معنی شغل‌آفرینی نیست بلکه پروسه خلق سازمان‌های جدید و برخورد خلاقانه با موفقیت‌های تازه و کشف پتانسیل‌ها است.

دوره‌های آموزش عالی علمی کاربردی با هدف مهارت‌آموزی توأم با فراگیری علوم مربوط به آن مهارت و نیز تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیازی است که دانش و مهارت لازم برای انجام کارهای محوله و حل مسائل کاربردی و روحیه کارآفرینی را در شرایط واقعی داشته باشند آموزش‌های علمی کاربردی به هر شکل و کیفیتی که اجرا گردند، قادر نخواهند بود که تعداد کثیری دانشجو را جذب نمایند، مگر اینکه به اندازه کافی چشم‌اندازهای شغلی را در جامعه بازتعریف کرده باشند و دانش‌آموختگان این دوره‌ها توانسته باشند رضایت کارفرمایان خود را در بازار کار جلب نمایند که این امر به ویژه بستگی به کیفیت آموزش‌هایی دارد که آنان دریافت می‌نمایند. بدین ترتیب آموزش‌های علمی کاربردی ناگزیرند مفید بودن خود را در عمل به ثبوت برسانند و شایستگی خود را با حسن انجام مسوولیت‌های محوله نشان دهند. جایگاه آموزش‌های علمی کاربردی به میزان زیادی بستگی به برون‌داد نظام آموزشی در روشن‌تر کردن چشم‌اندازهای شغلی و پاسخگویی به نیازهای حرفه‌ای و ایجاد زمینه برای تحرک و ارتقای شغلی دانش‌آموختگان آن دارد. دانش‌آموخته علمی کاربردی باید در یکی از مشاغل تخصصی مورد نیاز بازار کار آموزش دیده و دارای دانش کافی، توانایی و تخصص لازم برای احراز آن شغل باشد. او با توجه به ماهیت این نوع آموزش‌ها در مقایسه با سایر فارغ‌التحصیلان نظام‌های آموزشی دیگر دارای نرخ بیکاری بسیار پایین‌تری می‌باشد. مهم‌ترین عامل مؤثر در پایین بودن نرخ بیکاری دانش‌آموختگان علمی کاربردی، اثربخشی ماهیتی آموزش‌های علمی کاربردی در مهارت‌آموزی منطبق با نیاز بازار کار و روحیه کارآفرینی او است. دانش‌آموختگان نظام علمی کاربردی باید به افرادی مبدل شوند که به کار و کارآفرینی و بروز کارهای خلاقانه گرایش معنی‌داری نشان داده و ایده‌های نو ارائه نمایند. آنان بایستی منشاء ایجاد شغل، توسعه کسب و کار، افزایش بازدهی در بهبود فرآیندهای کاری کشور باشند. در حال حاضر مسئله بیکاری بویژه برای جوانان و حتی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از معضلات بسیار مهم کشور محسوب می‌شود و با توجه به محدود بودن توانایی جذب آنان در مراکز دولتی راهی جز بکارگماری آنان در بخش خصوصی و خوداشتغالی از طریق پرورش روحیه کارآفرینی وجود ندارد.

جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در بازار کار منوط به داشتن توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آن‌ها می‌بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می‌رسد عدم تناسب بین فرآیندها و مواد آموزشی رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌های نظری با مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بازار کار، مهم‌ترین عامل موفق نبودن فارغ‌التحصیلان در کاربایی و اشتغال است. علاوه بر این مورد، برخی از عوامل بی‌رونی که خارج از حوزه فعالیت و کنترل نظام آموزش عالی است نیز بر کارآفرینی فارغ‌التحصیلان تاثیر به‌سزایی دارند. لذا این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که دانش‌آموختگان کارآفرین دوره‌های علمی کاربردی دارای چه زمینه‌های دانشی، مهارتی و عملکردی هستند و آموزش‌های علمی کاربردی در کنار سایر عوامل چه تاثیری بر این موضوع دارند.

سؤالات تحقیق



دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهادکشاورزی دارای چه ویژگی‌های فردی، اقتصادی، اجتماعی، تحصیلی می‌باشند؟  
دانش، مهارت و عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف کارآفرینانه چقدر است؟

هدف تحقیق

هدف کلی:

بررسی دانش، توانمندی و عملکرد کارآفرینان دانش‌آموخته آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی

اهداف فرعی:

شناسایی دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهادکشاورزی

بررسی ویژگی‌های دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهادکشاورزی

تعیین دانش، مهارت و عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف کارآفرینانه

### نظام آموزش علمی - کاربردی

یکی از دوره‌های آموزشی که با هدف مهارت آموزی توام با فراگیری علوم مربوط به آن مهارت و تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز که دانش و مهارت لازم برای انجام کارهای محوله و حل مسائل کاربردی را داشته باشند، دوره‌های علمی - کاربردی است این آموزش‌ها به عنوان نظامی در درون نظام آموزشی کشور و در تکمیل دیگر نظامهای آموزشی موجود و به منظور شکل دادن به آموزش‌های شغلی در سطح جامعه طراحی شده است. این نظام به گونه‌ای طراحی و پیش‌بینی شده است که فارغ‌التحصیلان آن کارایی لازم برای اشتغال را داشته باشند. در واقع مهمترین اولویت دانشگاه مذکور تحقق کارآفرینی است. (شریعتی و مهاجر، ۱۳۸۵).

تجزیه و تحلیل آموزش عالی در کشور نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی هیچگاه از یک برنامه منسجم برخوردار نبوده و توجه به آموزش عالی در سالهای پس از انقلاب نیز یک بعدی بوده است، بطوریکه در این دوره بدون توجه به نیازهای واقعی بخش‌های تولیدی و خدماتی فقط به رشد کمی آموزش پرداخته شده است به گونه‌ای که هم اکنون با خیل عظیم دانش‌آموختگانی روبرو هستیم که در عرصه کار از توانمندی‌های لازم برخوردار نیستند یا آموزش‌های آنان در راستای نیازمندی‌های بخش‌ها نیست. این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری مراکز آموزشی توسط بخش‌های تولیدی برای تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز گردید، بطوریکه اغلب وزارتخانه‌ها و حتی برخی بنگاههای تولیدی اقدام به تاسیس مراکز آموزش عالی کردند و زمینه شکل‌گیری آموزش‌های علمی - کاربردی را فراهم آوردند.

کارآفرینان، مستقل از حوزه فعالیت خود نیازمند بعضی توانایی‌ها و مهارت‌ها هستند. کسب این مهارت‌ها احتمال موفقیت آنها را در فعالیت کارآفرینانه بیشتر می‌کند. این مهارت‌ها به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند. مهارت‌های کارآفرینانه شخص که نوعاً همان ویژگی‌های کارآفرین‌ها است. مهارت‌های فنی شامل نوشتن، ارتباطات شفاهی، بازاریابی، مدیریت محیط، مدیریت کسب و کار فنی، فن‌آوری، گوش دادن، توانایی سازمان‌دهی، تشکیل شبکه‌های اجتماعی، سبک مدیریت، مربی‌گری و کار تیمی. مهارت‌های مدیریت کسب و کار شامل برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری، روابط انسانی، بازاریابی، امور مالی، حسابداری، مدیریت منابع انسانی، کنترل، و مهارت‌های مذاکره.

بسیاری از افراد هم تمایل به کارآفرینی دارند و هم از تجربیات، مهارت‌ها و منابع لازم برای این کار برخوردارند. اما در عمل تعداد خیلی کمی از آنها مخاطره پایان دادن به روند جاری شغلی و شروع کردن یک کار شخصی را می‌پذیرند. انگیزه‌های افراد در اقدام عملی به کارآفرینی بسیار متنوع است؛ ولی آنچه که از همه مهمتر به نظر می‌رسد همان نیاز به استقلال است، البته سایر انگیزه‌ها می‌تواند در کسب درآمد، کسب موقعیت اجتماعی، رضایت شغلی، فرصت پیشرفت و شانس کنترل سرنوشت باشد. البته اولویت این انگیزه‌ها در مردان و زنان کارآفرین کمی متفاوت است. گذشته از انگیزه‌های اولیه، اغلب حوادث مختلفی نیز در عملی



شدن کارآفرینی نقش بازی می‌کنند. حوادث ناگوار مثل عدم رضایت شغلی، اخراج، باخرید، ورشکستگی و حوادث مساعد مثل پیشنهاد شراکت، مواجهه با الگوهای نقش و... در تصمیم‌گیری افراد برای شروع به فعالیت کارآفرینانه مؤثر هستند (فیض‌بخش، ۱۳۸۲).

تحقیقات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر برای موفقیت کسب و کارها نشان می‌دهند که یکی از عوامل شکست کسب و کارهای کوچک عوامل درونی است. یکی دیگر از روش‌های مورد استفاده برای بررسی ویژگی‌های کارآفرینان بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی است. در این رویکرد فرض می‌شود که افراد دارای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی یکسان، خصوصیات شخصیتی مشابهی دارند که می‌تواند احتمال موفقیت کسب و کار آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در تحقیقات مبتنی بر این رویکرد گروهی از کارآفرینان موفق و شکست خورده با هدف تعیین خصوصیات جمعیت‌شناختی که بین کارآفرینان متداول است، مورد بررسی قرار می‌گیرند. (Robinson et al, 1991).

رویکرد ویژگی‌های شخصیتی به بررسی و اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی یا تمایلات انگیزشی کارآفرینان موفق می‌پردازد. این رویکرد به طور گسترده‌ای در بررسی کارآفرینی افراد مورد استفاده قرار گرفته است. (Hunt & McClelland, 1987) (Adams, 1994) رویکرد سوم، بررسی متغیرها عملکردی هستند که بر موفقیت کارآفرینان تأثیر می‌گذارند. بر خلاف رویکردهای پیشین که کمک‌چندانی به کارآفرین نمی‌کردند نتایج حاصل از تحقیقات این چنینی می‌تواند به کارآفرین در جهت شناسایی عوامل بحرانی کسب و کار کمک کرده و وی را در جهت ایجاد یک سیستم کنترل پیش‌نگر یاری کند.

بروکهاوس و هرویتس (۱۹۸۶) در پژوهشی در باره کارآفرینان به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه‌های همانند توفیق طلبی و استقلال طلبی در ایجاد کسب و کار آنان بسیار مؤثر است. نتایج تحقیق هیسریچ و پیترز (۱۹۸۹) در باره کارآفرینان نشان داد که مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان توفیق طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت و انعطاف پذیری بوده است. هیسریچ و براش (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهایی همانند تجربه قبلی، تحصیلات، مشارکت در کسب و کار، مهارت‌های مدیریتی و سن، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی در دوران زندگی، تأثیر قابل توجهی بر موفقیت کارآفرین دارد. دجیور (۲۰۰۶) در پژوهشی در باره کارآفرینان به این نتیجه رسیده است که آنان دارای مهارت‌های ارتباطی، قدرت تشخیص مسائل و سبک مدیریتی مشارکتی هستند. در تحقیقی که بوسیله سوزان (۱۹۹۸) در آمریکا انجام گرفته است مشخص گردید که مهم‌ترین انگیزه کارآفرینان مورد مطالعه برای شروع کار جدید، نیاز به پیشرفت و نیاز به احساس رضایت از کار بوده است (Suzanne, 1998). هیسریچ (۱۹۸۴) به نقل از نتایج تحقیقات کومیک آورده است که اکثر کارآفرینان مورد مطالعه انگیزه چندانی برای کسب درآمد نداشتند، بلکه علاقمند بودند که کیفیت محصول خود را به عنوان یک امتیاز رقابتی افزایش دهند. گالوی (Galloway, 2005) در تحقیق روی ۵۱۹ نفر از دانشجویان چهار دانشگاه اسکاتلند دریافت که آموزش کارآفرینی بر افزایش مهارت‌های دانشجویان در خلاقیت، توانایی کار گروهی، اعتماد به نفس و مهارت‌های ارتباطی و مدیریت اثر گذار بوده است.

## روش شناسی

از نظر ماهیت تحقیق، این تحقیق از نوع کاربردی است زیرا منجر به توسعه کاربرد عملی برخی دیدگاهها در خصوص کارآفرینی و عوامل مؤثر بر کارآفرینی می‌شود. این تحقیق از نوع توصیفی است از آن جهت که به توصیف ویژگی‌های دانش آموختگان کارآفرین آن گونه که هستند و بر حسب زمان وقوع، این تحقیق از نوع تحقیقات پس رویدادی است. این تحقیق از نوع مطالعات کمی است و از لحاظ روش شناسی یک نوع پیمایش است.

جامعه آماری این تحقیق شامل دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهاد کشاورزی می‌باشند. دانش‌آموخته کارآفرین فردی است که از مراکز آموزش جهاد کشاورزی فارغ‌التحصیل شده باشد و یک واحد تولیدی، خدماتی یا تجاری کشاورزی را با خلاقیت فردی و ارائه و عملی نمودن نوآوری‌های شخصی راه‌اندازی و اداره نماید. با توجه به تعداد دانش‌آموختگان کارآفرین طبق



این تعریف، نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود. جهت شناسایی دانش آموختگان کارآفرین از مراکز مجری دوره‌های علمی کاربردی خواسته شد تا مشخصات فارغ التحصیلان کارآفرین خود را استخراج و ارائه نمایند که در مجموع از ۷ مرکز آموزشی در دسترس، مشخصات تعداد ۱۰۵ دانش‌آموخته در دسترس گردآوری و پس از ارسال پرسشنامه و دو بار پی‌گیری تلفنی تعداد ۷۵ پاسخنامه دریافت شد. مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه از جمله روشهای گردآوری اطلاعات در این تحقیق بود. برای دستیابی به روایی محتوایی ابزار تحقیق، پس از تعیین شاخص‌های کار آفرینی دانش آموختگان کارآفرینی و عوامل شغلی، روانشناختی، جمعیت شناسی و محیطی بر اساس مطالعه منابع، پرسشنامه در اختیار گروه کارشناسی متشکل از پژوهشگران و کارشناسان امر قرار گرفت و ضمن تغییر و اصلاح شاخصها و سؤالات، روایی محتوایی آن تعیین و از طریق نظرات کارشناسان این گروه، روایی ظاهری پرسشنامه نیز تعیین و اصلاحات لازم طبق نظرات واصله در پرسشنامه صورت پذیرفت. در این تحقیق پس از تعیین روایی پرسشنامه، این ابزار در بین ۱۵ دانش‌آموخته کار آفرین غیر از نمونه تحقیق توزیع که ضمن بررسی قابل فهم و مشخص بودن سؤالات در مورد سؤالات دو قسمتی و تشریحی تحلیل نظری و در مورد پاسخ سؤالات چندگزینه‌ای از آزمون کرونباخ آلفا جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق استفاده شد. ضریب پایایی کرونباخ آلفا برای شاخصهای سنجش به ترتیب برای سؤالات عوامل موثر بر راه‌اندازی، اداره و توسعه واحدکسب و کار ۰/۹۱، دانش کارآفرینان در ایفای وظایف ۰/۸۹، مهارت و توانایی کارآفرینان در ایفای وظایف ۰/۹۰ و عملکرد کارآفرینان در ایفای وظایف ۰/۹۰ تعیین گردید. با توجه به روش‌شناسی این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزار SPSS 11 تحت Windows استفاده شد. برای توصیف داده‌ها از آماره‌هایی مانند فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و ضریب تغییرات ی استفاده گردید.

## نتایج

متخصصان حوزه کارآفرینی معتقدند که یکی از ویژگی‌های کارآفرینان ویژگی‌های خاص فردی است. لذا در این تحقیق یکی از ویژگی‌های مورد بررسی ویژگی‌های فردی و آموزشی پاسخگویان بود. میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۲ سال بود که نشان دهنده آن است که پاسخگویان در دامنه سنی جوان تا میانسالی قرارداشتند. ۸۵/۳ درصد از پاسخگویان را مردان و ۱۴/۷ درصد را زنان تشکیل می‌داد که با نسبت جنسیتی فارغ‌التحصیلان دوره‌های علمی - کاربردی تناسب دارد. از نظر تحصیلاتی نیز حدود نیمی از پاسخگویان (۴۷/۳ درصد) دوره کارشناسی را به پایان رسانیده بودند و ۱۲/۲ درصد دانشجوی دوره کارشناسی و ۳۲/۴ درصد دارای مدرک تحصیلی کاردانی بودند.

توزیع آماری پاسخگویان برحسب چندمین فرزند خانواده بودن نشان داد که حدود نیمی از پاسخگویان (۴۶/۳ درصد) فرزند اول یا دوم خانواده بوده و ۳۱/۳ درصد نیز فرزند سوم و چهارم خانواده بودند و تنها ۱۲ درصد از آنان فرزند ششم تا دهم خانواده بودند که نشانگر آن است که کارآفرینان عمدتاً جزء فرزندان بزرگ خانواده خود بوده اند. توزیع آماری فارغ‌التحصیلان کارآفرین از نظر شغل پدر نشان داد که شغل پدر ۳۴/۸ درصد از آنان آزاد و شغل پدر ۲۲/۷ درصد کارمند و شغل پدر ۱۸/۲ درصد نیز کشاورزی بوده است. این درحالی بود که شغل پدر تنها ۴/۵ درصد کارگر، ۷/۶ درصد معلم و ۱۲/۱ درصد نیز دامدار بوده است. با توجه به حیطه فعالیت پاسخگویان که درحیطه کشاورزی و دامداری بوده است یافته‌ها نشان داد که شغل پدر ۲۰/۳ درصد از پاسخگویان کشاورزی و دامداری بوده است. توزیع آماری شغل مادر پاسخگویان نشان داد که شغل مادر اکثر آنان (۸۵/۵ درصد) خانه داری، شغل مادر ۸/۷ درصد کارمند بوده است و تنها شغل مادر ۱/۴ درصد از آنان کشاورزی بوده است.

توزیع آماری پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی نشان داد که اکثر پاسخگویان (۳۴/۲ درصد) در حیطه علوم دامی و مابقی در رشته‌های مرتبط با آبزیان (۸/۶ درصد)، پرورش زنبورعسل (۸/۶ درصد) بود. این درحالی بود که رشته تحصیلی تنها ۱/۴ درصد از پاسخگویان تولید و فرآوری پسته و گیاهپزشکی بوده است. ۳۷/۵ درصد از فارغ‌التحصیلان در سال‌های تحصیلی ۸۹ و ۸۸



فارغ التحصیل و ۲۹/۲ درصد نیز در سالهای ۹۱ و ۹۰ فارغ التحصیل شده بودند. بدین مفهوم که بیش از نیمی از پاسخگویان (۶۶/۷ درصد) در سالهای اخیر فارغ التحصیل شده بودند و مابقی قبل از سال تحصیلی ۸۸ فارغ التحصیل گردیده بودند. توزیع آماری پاسخگویان بر حسب نوع کسب و کار نشان داد که فعالیت‌های بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸/۱ درصد) تولیدی و فعالیت ۳۲/۴ درصد از فارغ التحصیلان خدماتی و تنها ۹/۵ درصد تجاری بوده است. رشته و گرایش تحصیلی پاسخگویان نیز مؤید این امر بود که گرایش و علاقه‌مندی فارغ التحصیلان کارآفرینی دوره‌های علمی- کاربردی کشاورزی به فعالیت‌های تولیدی و سپس خدماتی می‌باشد. با توجه به نوع کسب کار غالب فارغ التحصیلان کارآفرین و رشته تحصیلی آنان، نوع فعالیت پاسخگویان نیز نشانگر آن بود که حدود نیمی از فارغ التحصیلان (۴۶/۷ درصد) در فعالیت‌های دامداری، مرغداری و زنبورداری که فعالیتی تولیدی درحیطه علوم دامی محسوب می‌شود فعالیت داشته و فعالیت ۲۳/۵ درصد از آنان در امور خدماتی و تاسیساتی بوده است. درصد اندکی از پاسخگویان نیز در سایر امور فعالیت داشتند.

یکی از ارکان اساسی هر کسب و کاری فضای فیزیکی و نوع مالکیت آن است که راه اندازی واحدهای کسب و کار مستقل را تسهیل یا تضعیف می‌نماید. از نظر وضعیت حقوقی مالکیت واحد کسب و کار، یافته‌ها نشان داد که واحد کسب و کار نیمی از پاسخگویان به صورت فردی و واحد کسب و کار نیمی دیگر به صورت جمعی و گروهی و به اشکال تعاونی (۱۸/۱ درصد)، شرکتی (۱۳/۹ درصد) و پذیرش نمایندگی (۱/۴ درصد) بوده است. توزیع آماری نوع مالکیت زمین واحد کسب و کار پاسخگویان نشان داد که مالکیت زمین واحد کسب و کار بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸/۶ درصد) به صورت اجاره‌ای و مالکیت زمین واحد کسب و کار (۳۷/۱ درصد) به صورت شخصی بوده است.

از آنجا که راه‌اندازی واحدهای کسب و کار نیازمند سرمایه اولیه می‌باشد که یکی از ارکان مهم در تشکیل هر واحد کسب و کاری بوده و در راه‌اندازی واحدهای کسب و کار کارآفرینانه نقش مهمی ایفا می‌نماید. لذا از پاسخگویان خواسته شد تا منابع تامین سرمایه اولیه را تضمین نماید که یافته‌ها نشان داد که منبع تامین سرمایه اولیه ۷۳/۷ درصد از پاسخگویان به صورت شخصی و منبع تامین سرمایه تنها ۲۶/۳ درصد از تسهیلات و وام بانکی تامین شده است که این امر تاثیر سرمایه شخصی را در راه‌اندازی واحدهای کسب و کار مستقل محرز می‌نماید. توزیع آماری پاسخگویان بر حسب تعداد افراد شاغل در واحد کسب و کار نشان داد که تعداد افراد شاغل در واحد کسب و کار ۶۲ درصد از پاسخگویان کمتر از ۵ نفر بوده و تعداد افراد شاغل در واحدهای ۲۱/۱ درصد ۵ الی ۱۰ نفر و مابقی واحدهای کسب و کار (۱۶/۹ درصد) دارای بیش از ۱۰ نفر شاغل در واحد کسب و کار خود بود که این نشانگر آن است که واحد کسب و کار بیش از نیمی از پاسخگویان از نوع کوچک بوده است.

## دانش، مهارت و عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف

جدول (۱) توزیع آماری نظرات پاسخگویان در خصوص میزان دانش دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف

دانش و معلومات				وظایف
تعداد	میانگین ×	انحراف معیار	ضریب تغییرات	
۶۸	۲.۶۹	۰.۴۶	۱۷.۱۰	مدیریت زمان
۶۹	۲.۶۲	۰.۶۲	۲۳.۶۶	ایجاد و اداره واحد کسب و کار
۶۸	۲.۵۷	۰.۶۱	۲۳.۷۳	مدیریت خرید مواد اولیه
۶۹	۲.۵۲	۰.۶۳	۲۵	مدیریت ریسک و مخاطرات
۶۹	۲.۵۲	۰.۶۳	۲۵	توسعه واحد کسب و کار



۲۵.۱۰	۰.۶۱	۲.۴۳	۶۸	تشخیص فرصتهای کسب و کار
۲۶.۰۷	۰.۶۱	۲.۳۴	۷۰	تشخیص فرصتهای سرمایه‌گذاری نوآورانه
۲۶.۲۹	۰.۶۶	۲.۵۱	۶۸	انتخاب و آماده‌سازی مکان، امکانات و تجهیزات
۲۸.۲۲	۰.۷۰	۲.۴۷	۶۸	رقابت با رقبا
۲۸.۵۱	۰.۶۹	۲.۴۲	۶۹	فروش محصولات و خدمات
۲۹.۰۳	۰.۷۲	۲.۴۸	۶۹	ارائه یا بهره‌برداری مستمر از ایده‌های نو و خلاقانه
۲۹.۳۹	۰.۷۲	۲.۴۵	۶۹	رهبری، سازماندهی و مدیریت منابع انسانی
۲۹.۵۳	۰.۷۰	۲.۳۷	۷۰	ارتباطات درونی و بیرونی
۳۰.۶۴	۰.۷۲	۲.۳۵	۶۹	امور مالی و حسابداری
۳۲.۷۶	۰.۷۶	۲.۳۲	۶۹	بازاریابی و بازاریابی محصولات
۳۳.۶۳	۰.۷۵	۲.۲۳	۶۹	نگارش طرح کسب و کار
۳۵.۵۸	۰.۷۹	۲.۲۲	۶۷	قیمت‌گذاری محصولات و خدمات
۳۶	۰.۷۲	۲	۶۷	یافتن و انتخاب منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری
۳۶.۱۱	۰.۷۸	۲.۱۶	۶۹	اطلاع‌رسانی و تبلیغات

×مقیاس: ۱: کم، ۲: متوسط، ۳: زیاد

یکی از اهداف این تحقیق بررسی دانش، مهارت و عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف مرتبط با کسب و کار خود بود. همانگونه که در جدول ۱ نشان داده شده است پاسخگویان میزان دانش خود را در زمینه‌هایی همچون مدیریت زمان، ایجاد و اداره واحد کسب و کار، مدیریت خرید مواد اولیه و توسعه واحد کسب و کار بالاتر از دیگر موارد دانسته و دانش خود را در زمینه‌هایی همچون اطلاع‌رسانی و تبلیغات، یافتن و انتخاب منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری، قیمت‌گذاری محصولات و خدمات پایین‌تر از سایر موارد دانستند.

#### جدول ۲) توزیع آماری نظرات پاسخگویان در خصوص میزان مهارت دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف

مهارت و توانایی				وظایف
تعداد	میانگین ×	انحراف معیار	ضریب تغییرات	
۶۶	۲.۶۰	۰.۵۵	۲۱.۱۵	مدیریت زمان
۶۸	۲.۵۷	۰.۵۵	۲۱.۴۰	توسعه واحد کسب و کار
۶۶	۲.۶۲	۰.۵۷	۲۱.۷۵	ایجاد و اداره واحد کسب و کار
۶۶	۲.۶۲	۰.۵۷	۲۱.۷۵	مدیریت خرید مواد اولیه
۶۷	۲.۶۱	۰.۵۸	۲۲.۲۲	رقابت با رقبا
۶۸	۲.۵۴	۰.۵۸	۲۲.۸۳	تشخیص فرصتهای کسب و کار
۶۸	۲.۵۶	۰.۶۳	۲۴.۶۱	رهبری، سازماندهی و مدیریت منابع انسانی
۶۸	۲.۴۸	۰.۶۳	۲۵.۴۰	مدیریت ریسک و مخاطرات
۶۷	۲.۴۳	۰.۶۳	۲۵.۹۲	امور مالی و حسابداری
۶۷	۲.۴۲	۰.۶۳	۲۶.۰۳	تشخیص فرصتهای سرمایه‌گذاری نوآورانه
۶۸	۲.۴۴	۰.۶۵	۲۶.۶۴	بازاریابی و بازاریابی محصولات
۶۷	۲.۵۱	۰.۶۸	۲۷.۰۹	ارائه یا بهره‌برداری مستمر از ایده‌های نو و خلاقانه
۶۶	۲.۴۲	۰.۶۶	۲۷.۲۷	انتخاب و آماده‌سازی مکان، امکانات و تجهیزات
۶۸	۲.۴۳	۰.۶۸	۲۷.۹۸	فروش محصولات و خدمات



۲۹.۲۸	۰.۶۵	۲.۲۲	۶۷	نگارش طرح کسب و کار
۲۹.۵۸	۰.۷۱	۲.۴۰	۶۸	ارتباطات درونی و بیرونی
۳۲.۱۷	۰.۷۴	۲.۳۰	۶۶	قیمت گذاری محصولات و خدمات
۳۳.۹۴	۰.۷۴	۲.۱۸	۶۶	یافتن و انتخاب منابع مالی جهت سرمایه گذاری
۳۵.۳۵	۰.۷۶	۲.۱۵	۶۷	اطلاع رسانی و تبلیغات

×مقیاس: ۱: کم، ۲: متوسط، ۳: زیاد

همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است پاسخگویان میزان مهارت خود را در زمینه‌هایی همچون مدیریت زمان، توسعه واحد کسب و کار، ایجاد و اداره واحد کسب و کار و مدیریت خرید مواد اولیه بالاتر از سایر موارد و میزان مهارت خود را در زمینه‌های اطلاع رسانی و تبلیغات، یافتن و انتخاب منابع مالی جهت سرمایه گذاری و قیمت گذاری محصولات و خدمات پایین تر سایر موارد تشخیص دادند که نشان دهنده ضعف در مهارت‌های مرتبط با رشته‌ها بین رشته‌ای و عمومی می‌باشد.

### جدول ۳) توزیع آماری نظرات پاسخگویان در خصوص عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف

عملکرد				وظایف
تعداد	میانگین ×	انحراف معیار	ضریب تغییرات	
۶۶	۲.۶۱	۰.۵۸	۲۲.۲۲	ایجاد و اداره واحد کسب و کار
۶۷	۲.۵۵	۰.۶۱	۲۳.۹۲	انتخاب و آماده سازی مکان، امکانات و تجهیزات
۶۸	۲.۵۰	۰.۶۱	۲۴.۴	تشخیص فرصت‌های کسب و کار
۶۷	۲.۵۷	۰.۶۳	۲۴.۵۱	رهبری، سازماندهی و مدیریت منابع انسانی
۶۶	۲.۵۶	۰.۶۳	۲۴.۶۱	مدیریت زمان
۶۷	۲.۵۵	۰.۶۳	۲۴.۷۰	مدیریت خرید مواد اولیه
۶۸	۲.۵۴	۰.۶۳	۲۴.۸۰	مدیریت ریسک و مخاطرات
۶۷	۲.۴۹	۰.۶۴	۲۵.۷۰	رقابت با رقبا
۶۷	۲.۴۰	۰.۶۳	۲۶.۲۵	امور مالی و حسابداری
۶۸	۲.۵۰	۰.۶۶	۲۶.۴	بازاریابی و بازاریابی محصولات
۶۷	۲.۳۴	۰.۶۲	۲۶.۴۹	تشخیص فرصت‌های سرمایه گذاری نوآورانه
۶۸	۲.۵۳	۰.۶۸	۲۶.۸۸	ارائه یا بهره برداری مستمر از ایده‌های نو و خلاقانه
۶۸	۲.۴۸	۰.۶۸	۲۷.۴۲	توسعه واحد کسب و کار
۶۸	۲.۳۷	۰.۶۷	۲۸.۲۷	فروش محصولات و خدمات
۶۸	۲.۳۷	۰.۷۱	۲۹.۹۶	ارتباطات درونی و بیرونی
۶۷	۲.۲۲	۰.۶۷	۳۰.۱۸	نگارش طرح کسب و کار
۶۵	۲.۳۴	۰.۷۵	۳۲.۰۵	قیمت گذاری محصولات و خدمات
۶۶	۲.۰۴	۰.۶۹	۳۳.۸۲	یافتن و انتخاب منابع مالی جهت سرمایه گذاری
۶۷	۲.۱۸	۰.۷۸	۳۵.۷۸	اطلاع رسانی و تبلیغات

×مقیاس: ۱: کم، ۲: متوسط، ۳: زیاد

توزیع آماری نظرات پاسخگویان در خصوص عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف نشان داد که عملکرد پاسخگویان در خصوص موارد ایجاد و اداره واحد کسب و کار، انتخاب و آماده سازی مکان، امکانات و تجهیزات، تشخیص فرصت‌های کسب و کار و رهبری، سازماندهی و مدیریت منابع انسانی بالاتر از سایر موارد و عملکرد آنان در خصوص موارد





اطلاع‌رسانی و تبلیغات، یافتن و انتخاب منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری و قیمت‌گذاری محصولات و خدمات پایین‌تر از سایر موارد بود (جدول ۳).

## بحث

کارآفرینان افرادی هستند که قادر به تبدیل رویاها و ایده‌های خلاقانه و نوآورانه خود به حقیقت می‌باشند برای واژه کارآفرینی تعاریف گسترده‌ای وجود دارد و نمی‌توان تعریف مشخص و واحدی را برای کارآفرینی ارائه داد زیرا هر یک از محققین با توجه به زمینه تخصصی خود تعریف خاصی از کارآفرینی داشته‌اند. البته باید توجه داشت تعریف کارآفرینی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در آن واقع می‌شود بستگی دارد و در این تحقیق تعریفی که برای کارآفرین در نظر گرفته شده است شامل فردی است که کسب و کار مستقلی را در بخش تولیدی، خدماتی یا تجاری کشاورزی راه‌اندازی نموده است که منجر به ایجاد ثروت و خلق ارزش گردیده است.

سالهاسست که محققان در پی یافتن پاسخ این سؤال هستند که چه ویژگی‌ها و شرایطی باعث پرورش روحیه کارآفرینی در افراد جامعه می‌شود تا از این طریق شرایط مساعد زمینه ساز پرورش کارآفرینان در جوامع را فراهم نمایند. سالها مطالعه نشان داده است که عوامل درونی و پیرامونی بسیاری در این امر ایفای نقش می‌نمایند. متغیرهای شخصیتی و روانشناختی و نیز جمعیت‌شناختی و محیطی از جمله این ویژگی‌ها می‌باشند. از سوی دیگر امروزه اشتغال دانش‌آموختگان نظام‌های آموزشی یکی از چالش‌های اساسی جوامع محسوب می‌شود که اهمیت تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین، خلاق و نوآور را برای نظام‌های آموزشی ضروری می‌سازد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که کارآفرینان دانش‌آموخته آموزش‌های علمی - کاربردی کشاورزی از نظر ویژگی‌های فردی عمدتاً در دامنه سنی جوان تا میانسال قرار داشته و اکثر آنها را مردان تشکیل می‌دادند. نیمی از طیف مورد بررسی فرزند اول یا دوم خانواده خود بودند. هیسریچ (۱۹۹۸) در تحقیقات خود دریافت که احتمال کار آفرین شدن برای فرزندان اول یک خانواده بیشتر از سایر بچه هاست.

از نظر ویژگی‌های حرفه‌ای نیز یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان از فعالیت‌های مرتبط با بخش کشاورزی عمدتاً علاقه مند به فعالیت‌ها در زمینه علوم دامی، طیور و آبزیان بوده‌اند. با توجه به رشته تحصیلی، نیمی از کارآفرینان در فعالیت‌های تولیدی و مابقی در فعالیت‌های خدماتی و تجاری فعالیت داشتند. از نظر وضعیت مالکیت واحدهای کسب و کار نیمی از کارآفرینان به صورت فردی و نیمی دیگر در اشکال مختلف فعالیت گروهی فعالیت می‌نمودند و سرمایه‌گذاری شخصی منبع تامین سرمایه اولیه اکثر کارآفرینان مورد بررسی بود. همچنین نوع کسب و کار اکثر کارآفرینان از نوع کوچک تا متوسط بود و اکثر پاسخگویان از فعالیت خود رضایت داشته و تمایلی به تغییر شغل فعلی خود نداشتند. از نظر دانش، مهارت و عملکرد دانش‌آموختگان کارآفرین در ایفای وظایف مرتبط با کسب و کار خود نیز یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان میزان دانش خود را در زمینه‌هایی همچون مدیریت زمان، ایجاد و اداره واحد کسب و کار، مدیریت خرید مواد اولیه و توسعه واحد کسب و کار بالاتر از دیگر موارد دانستند و میزان مهارت خود را در زمینه‌هایی همچون مدیریت زمان، توسعه واحد کسب و کار، ایجاد و اداره واحد کسب و کار و مدیریت خرید مواد اولیه بالاتر از سایر موارد ارزیابی نمودند. آنان عملکرد خود را در خصوص موارد ایجاد و اداره واحد کسب و کار، انتخاب و آماده‌سازی مکان، امکانات و تجهیزات، تشخیص فرصت‌های کسب و کار و رهبری، سازماندهی و مدیریت منابع انسانی بالاتر از سایر موارد ذکر نمودند. احمدپورداری (۱۳۷۷) در تحقیقی نتیجه می‌گیرد که مدیرانی که در دوره‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی شرکت نموده‌اند در مقایسه با سایر مدیران در کسب و کارهای کارآفرینانه موفق‌تر عمل کرده‌اند.

## پیشنهادها

تسهیل دسترسی به وام و تسهیلات ویژه فعالیت‌های کارآفرینانه فارغ‌التحصیلان مستعد جهت عملی نمودن ایده‌های خلاقانه و نوآورانه کشاورزی



شناسایی ایده‌های خلاقانه در مراکز آموزشی و تشویق و راهنمایی دانشجویان به عملی نمودن نوآوریها در عرصه‌های کشاورزی  
توجه به عوامل محیطی جهت تسهیل راه‌اندازی واحدهای کسب و کار کارآفرینانه  
توجه به نقاط قوت و ضعف دانشی و مهارتی فارغ‌التحصیلان در پرورش روحیه کارآفرینانه آنان  
شناسایی و تقویت انگیزنده‌های درونی و فردی جهت تشویق فارغ‌التحصیلان جهت حرکت به سمت فعالیتهای کارآفرینانه  
تشویق فارغ‌التحصیلان دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی به راه‌اندازی فعالیتهای کارآفرینانه در جهت کسب سود اقتصادی و  
وجهه اجتماعی

## فهرست منابع

- احمدپورداریانی، م. (۱۳۷۷)، طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت، رساله دکتری در رشته مدیریت صنعتی، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدپورداریانی، م. (۱۳۸۰)، کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها، تهران، انتشارات پردیس.
- شریعتی، م. ت. و مهاجری، ع. (۱۳۸۵). بررسی برنامه درسی و مهارتهای برنامه‌ریزی در آموزش علمی کاربردی، دو ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۴، آذر و دی ۸۵.
- عابدی، ر. (۱۳۸۰)، کاوش در کارآفرینی درون سازمانی، فصلنامه مطالعات مدیریت، ۳۵ و ۳۶.
- فیض بخش، ع. (۱۳۸۴)، تاثیر نحوه راه‌اندازی کسب و کار بر میزان توفیق کارآفرینان ایرانی، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۶۸.
- فیض بخش، ع. و همکاران، (۱۳۸۲)، اهداف برنامه‌های توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک، رهیافت، شماره ۲۹، بهار ۸۲، صص ۴۸-۴۳.
- خادم آدم، ن. (۱۳۷۱). سیاست‌های اقتصاد کشاورزی در نظام‌های مختلف و ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۴۱.

- Brich, D. (1987). *Jop Creation in America*, New York: the free press.
- Brockhaus, R. H. (1980). Risk taking propensity of entrepreneurs. *Academy of management journal*, 23; 509-520
- Brush, C.G. (1992), Research on women business owners: past trends, a new perspective and future directions", *Entrepreneurship Theory and Practice*, 17.(4): 5-30.
- Fry, Fred L. (1993), *Entrepreneurship - A Planning Approach*, St. Paul, Minnesota: West Publishing Company. *Advanced management* , summer : 4-9
- Hisrich R.D. & Brush C.G. (1988) , Women entrepreneurs: problems and opportunities. In *Women's Careers, Pathways and Pitfalls* (Ed. by S. Rose and L. Larwood), pp. 193-207. Greenwood Press, .
- Hisrich R.D. & Peters M.P. (1989) *Entrepreneurship, Starting, Developing and Managing a New Enterprise*. Lexington books .
- McClellid, D.C. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs, *Journal of creative behavior*, 21(3) .



Reynolds,P. et all , (1999) , *Global entrepreneurship monitor: Data collection-Analysis strategies operations manual*. Babson college and the London business school

- McClellid,D.C. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs, *Journal of creative behavior*, 21(3)

- Galloway, I. (2005). Enterprise skills for the economy, *education and training*, 47(1): 7-17.

## **Factors affecting on entrepreneurship in graduates of applied scientific higher education**

Mojtaba Rajabbaigy1\*, Shahram Moghaddas Farimani2

Associate professor of applied scientific higher education institution<sup>1</sup>, Assistant professor of applied scientific higher education institution<sup>2</sup>

### **Abstract**

The aim of applied scientific higher education is training specialists for doing of assignments works through hand on training, learning sciences, delivering problem solving skills and entrepreneurship spirits at actual conditions. The present study aimed to investigate the knowledge, empowerment and performance of those graduated from agricultural centers who were entrepreneurs. The methodology was descriptive with a survey approach. The statistical population was consisted of those who graduated from one of applied scientific higher educational centers in different agricultural fields. The sampling method was available sampling and from seven applied scientific higher educational centers at 32 of them, some 76 graduated who were entrepreneurs were available samples. The main instrument of the research for data collection was a questionnaire. The validity of instrument was approved by panel of expert and the reliability was approved by croncachs alpha coefficient which was 0.89 to 0.91. Result show that respondent are in young to middle aged range and most of them are males. Findings show that respondents mainly interested in the field of animal science, poultry and fisheries. According to the field of study, half of them are working in husbandry production and the other is working in service and business activities. Assessment of knowledge by respondents shows they assessed their knowledge about time management, creating and managing of business unit, management of order materials and development of business unit higher than the other related know ledges. They assessed their performance about creating and managing of business unit, select and perpetrated of local, facilitates and equipment, identify opportunities of business, leadership, organization and manpowerment management higher than the other related performances. Investigate and attention to knowledge and performance of graduate entrepreneurs toward strengthening entrepreneurship spirit of applied scientific higher education students were some recommendation of this research.

**Keywords:** applied scientific higher education, business, entrepreneurship, knowledge, graduates performance